

## مجله پژوهش های اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

### گذری بر نثر غیرروایی عرفانی\*

زهرا ایرانمنش

دانشجوی دکتری ادبیات فارسی

دانشگاه فرهنگیان پردیس خواجه نصیر کرمان

دکتر جلیل تجلیل

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

#### چکیده

نثر فارسی، به عنوان قالبی برای بیان اندیشه، در طول تاریخ هزار ساله خویش دوره‌های مختلفی را پشت سر گذاشته و جنبه‌های گوناگون معنوی و لفظی را تجربه نموده است. یکی از گونه‌های دلاویز نثر فارسی نوشته‌های عارفانه است. اگر آثار داستانی عرفانی را که مربوط به حوزه نثر روایی است، جدا کنیم، در حوزه نثرهای غیر روایی عرفانی، با مطالب متعددی از قبیل ترسالات، خطابه‌ها، مجالس، گونه‌های تعلیمی، کوتاه نوشته‌ها، نثرهای دینی، پندنامه‌ها، سفرنامه، زندگی‌نامه‌ها، گزارش‌ها، مقالات و... مواجه می‌شویم؛ اطلاعاتی که درباره این گونه‌ها در کتاب‌های مربوط به تحلیل نثر فارسی ارائه شده است، بسیار محدود است؛ لذا، در این مقاله سعی شده تا با استفاده از منابع معتبر و ارزشمند، اطلاعاتی درباره نثر غیرروایی و مشخص نمودن قلمرو نثرهای غیر روایی عرفانی به معرفی چهره‌های مهم و متون اصلی پرداخته شود.

#### واژگان کلیدی

نثر غیرروایی، نثر روایی، عرفان و تصوف، عشق و محبت.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۹

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۲۶

نشانی پست الکترونیک نویسنده: Iran manesh.Zahra@yahoo.com

## ۱- مقدمه

نخست باید توجه داشت که در ایران پیش از اسلام، سنت به کتابت در آوردن آثار دینی و ادبی چندان معمول نبوده است؛ از این رو، این آثار قرن‌ها سینه به سینه حفظ می‌شده است و ثبت آنها را لازم نمی‌دانسته‌اند؛ بلکه تنها اسناد دولتی و سیاسی و اقتصادی (مانند کتیبه‌های فارسی باستان و پهلوی و چرم نوشته‌ها) را در خور نگارش می‌دیدند.

«کتاب اوستا قرن‌ها سینه به سینه حفظ می‌شد، تا اینکه در دوره ساسانی به کتابت درآمد. همین توجه به روایات سینه به سینه تا دوران‌های بعد از اسلام نیز ادامه یافت، چنان که مدوتان اسطوره‌ها و داستان‌های حماسی ایران مانند فردوسی، علاوه بر روایات مکتوب خداینامه، از روایات شفاهی نیز بهره می‌گرفتند. یکی از علل عمده‌ای که سبب شد زردتشتیان در دوره ساسانی به کتابت آثار خود توجه کنند، پاسخ به ایراداتی بود که ملل صاحب کتاب به خصوص مسیحیان بر آنان می‌گرفتند. به علاوه در قرون اولیه اسلامی که بیشتر آثار پهلوی در آن زمان تألیف نهایی یافته است، بیم از بین رفتن این آثار در برابر پیشرفت سریع اسلام و تقلیل موبدان وجود داشت. اما برخلاف زردتشتیان، مانویان به کتابت آثار خود اهمیت می‌دادند.» (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۳ و ۱۴)

«تاریخ نثر مکتوب در ایران پیش از اسلام؛ به زمانی بسیار قدیم می‌رسد. رواج علوم و فنون مختلف و ترجمه بسیاری از آثار علمی و فلسفی و قصص و روایات از زبان یونانی و هندی به زبان پهلوی ساسانی، این نکته را ثابت می‌کند، که نثر در ایران پیش از اسلام مراحل مختلفی از تطور را پیموده است و طی این مراحل ممتد، خود می‌تواند نثر را به درجات کمالی که در نثر فنی معهود است برساند. در پاره‌ای از آثار ایران پیش از اسلام به ویژه در دوره ساسانی نوعی نثر وجود داشته که در آن هم به بیان معنی و هم به زیبایی لفظ توجه می‌شده است؛ نثری که می‌توان عنوان نثر مرسل عالی بدان اطلاق نمود.» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۷۴ و ۷۵)

هر چند، امروزه آثار ادبی پهلوی و نامه‌ها و منشورهای درباری عهد ساسانی به جا نمانده است؛ اما از کتب کهن عربی و اشارات نویسندگان قدیمی و ترجمه‌های

پراکنده از مواد پهلوی می‌توان دریافت که طبقهٔ دبیران در عهد ساسانی ملزم بودند که نامه‌های درباری را به نثر مزین و آراسته بنویسند و مخصوصاً دیباچه‌ها می‌بایست در نهایت بلاغت بوده باشد. نظامی عروضی، در مقدمهٔ یکی از حکایات خود، در باب دبیری، به یکی از رسوم دبیری در عهد ساسانی چنین اشاره کرده است: «پیش از این در میان ملوک عصر و جبابرهٔ روزگار پیش چون پیشدادیان و کیان و اکاسره و خلفا رسمی بوده است که مفاخرت و مبارزت به عدل و فضل کردند و هر رسولی که فرستادند از حکم و رموز و لغز مسائل با او همراه کردند و در این حالت پادشاه محتاج شدی به ارباب عقل و تمیز و اصحاب رای و تدبیر، و چند مجلس در آن نشستندی و برخاستندی، تا آن گاه که آن جواب‌ها بر یک وجه قرار گرفتندی و آن رموز ظاهر شدی، آن گاه رسول را گسیل کردند. و این ترتیب برجای بوده است، تا به روزگار سلطان عادل محمود بن سبکتگین، و بعد از او چون سلجوقیان آمدند و ایشان مردم بیابان نشین بودند و از مجاری احوال و معالی آثار ملوک بی‌خبر، بیشتر از رسوم پادشاهی به روزگار ایشان مندرس شد و بسی از ضروریات ملک منظم گشت. یکی از آن دیوان برید است، باقی بر این قیاس توان کرد.»

به هر حال، مقصود این است که ملت ایران با آن سابقه متمدن فرهنگی، نمی‌توانست چند قرن بدون تالیف و تصنیف باشد؛ منتهی بسیاری از آثار کهن به دلایل متعدد و عمدتاً در حمله مغول باقی نمانده است و از جمله آن‌هاست آثار یوسف عروضی و ابوالعلاء شوشتری و بهرامی سرخسی در عروض و قافیه که از منابع شمس قیس رازی در تالیف المعجم و خواجه نصیر الدین طوسی در نگارش معیار الاشعار بوده‌اند. بهرامی سرخسی کتبی چون خجسته نامه و غایة العروضین و کنز القافیه داشت، که در عصر خود کمال شهرت را داشتند.

## ۲- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

روی آوردن به مطالعات موردی و تک نگاری در حوزه‌های مختلف علمی و هنری مربوط به ادبیات، سبب می‌شود که تمام مطالب مربوط به یک حوزه که به صورت پراکنده در لابه‌لای متون مختلف وجود دارد، در یک جا جمع شود و بتوان به جای گسترش مطالعات در حوزه‌های مباحث کلی، به مطالعات عمیق و کاربردی پرداخت. بسیاری از قابلیت‌های نثرهای غیر روایی، مغفول مانده است. با شناخت این ویژگی‌ها و انتقال آنها به روزگار معاصر، از یک سو روند تکاملی نثر فارسی روشن‌تر خواهد شد و از سوی دیگر، مایه‌های بازنگری در توانمندی‌های نثر و بر طرف کردن نواقص نثرهای امروزی فراهم خواهد شد.

## ۳- پیشینه تحقیق

تعیین قلمرو روایت و غیر روایت بسیار دشوار است. در روزگار معاصر و بخصوص پس از ظهور مکتب فرمالیسم و مکاتب متعدد ساختارگرا، روایت در مرکز توجه بسیاری از محققان قرار گرفت تا جایی که روایت شناسی با عنوان یک علم مستقل در نظر گرفته شد و کتاب‌های متعددی درباره آن نوشته شد. بسیاری از این کتاب‌ها به فارسی نیز ترجمه شد. اهمیت روایت در زندگی بشر و حضور گسترده آن تا حدی است که رولان بارت، بیان می‌کند روایت‌های جهان بی‌شمارند و حضور روایت را در همه چیز، از گفتار عادی تا داستان‌های بلند، می‌توان احساس کرد. انسان، بدون روایت نمی‌تواند زندگی کند؛ با این حال، تعیین مرز بین روایت و غیر روایت، دشوار است؛ به طور کلی، هر نوع بیانی که مبتنی بر رابطه زمانی و علی و معلولی باشد، در حوزه روایت جای می‌گیرد. نوشته‌هایی که شکل بیان و منطق آنها فاقد هسته داستانی باشد، به عنوان نوشته غیر روایی به حساب خواهند آمد. اگر از این چشم انداز نگاه کنیم، پیشینه بحث را در سه حوزه می‌توان در نظر گرفت:

۱- متون عرفانی: این متون، فارغ از توجه به تحلیل‌های ساختاری و زبانی، با تمرکز بر معنا و اندیشه درصددند تعالیم عرفانی را منتقل کنند؛ این متون پایه استخراج اطلاعات قرار خواهند گرفت.

۲- آثار مربوط به تحلیل نثرهای فارسی: در این زمینه آثار گرانمایی به شکل مقاله و کتاب نگاشته شده است؛ از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد: تاریخ تطور نثر فارسی از دکتر خطیبی، انواع نثر فارسی از دکتر رستگار، از گذشته ادبی ایران از دکتر زرین کوب، گنجینه سخن از دکتر صفا و....

۳- آثار مربوط به روایت شناسی: در این زمینه، بخصوص منتقدانی که در حوزه ساختار گرای و روایت شناسی مطلب نوشته اند، فراوان است. این آثار، غالباً به روایت ها پرداخته اند و از کنار غیر روایت ها، با شتاب گذشته اند. بنابراین، درباره تفکیک نثرهای عرفانی و تطبیق اندیشه های مربوط به روایت و غیر روایت کار قابل توجهی انجام نشده است. این جستار، بر آن است تا ضمن احترام به گام های برداشته شده، قدمی کوتاه در حوزه نثر غیر روایی عرفانی بردارد.

#### ۴- نثر غیرروایی

هرمان اته، نثر فارسی را به دو بخش نثر روایی و شاعرانه، و نثر علمی و فنی تقسیم و این دو را چنین تعریف می کند:

۱- نثر روایی و شاعرانه که مستقیماً با شعر مرتبط است؛ یعنی؛ در آن عبارت های زیبا به کار می رود و از فنون بلاغت بهره مند است، حتی با سجع و ترتیب هم آراسته است.

۲- نثر علمی و فنی و غیرروایی که به طور کلی از صنایعی لفظی اعراض می کند و منحصراً به موضوعات مختار می پردازد و آن را با وضوح بیان می کند؛ اگر چه به شرح و تطویل دور و دراز هم می پردازد.

اته، نثر روایی و شاعرانه را به انواع زیر تقسیم می کند:

۱- رمان، قصص، روایات، داستان ها، افسانه ها، حکایات.

۲- استعارات منثور، نمونه های متصنّع، منشآت، نقد شعر و....

او نثر غیرروایی، علمی و فنی را هم شامل انواع زیر می داند:

- ۱- حکمت عملی، اخلاق و سیاست، حکم و امثال.
  - ۲- ترجمه از زبان های دیگر.
  - ۳- تاریخ
  - ۴- نثر علمی و بلیغ شامل دائره المعارف ها، فهارس علمی، تألیفات عرفانی و صوفیانه، کتب دینی، تفاسیر، کتب طبی و... (اته، ۱۳۵۱: ۲۱۴-۲۹۹).
- در اروپا، نثر را به چهار نوع خطابی، تاریخی، داستانی و تعلیمی، تقسیم کرده اند:
- ۱- نوع خطابی که اختصاص به خطابه و سخنرانی داشته و خود به اقسامی چون خطابه دینی، قضایی، مدحی، تشریفاتی و هجوی تقسیم می شد.
  - ۲- نوع تاریخی که شامل سالنامه ها، وقایع نامه ها و خاطرات می شد.
  - ۳- نوع داستانی که داستان های حادثه ای، جنایی یا عشقی و احساسی را در بر می گرفت و رمان های روستایی و حوادث، تحلیلی و قصه و داستان کوتاه را شامل می شد.
  - ۴- نوع تعلیمی که شامل معارف انسانی و علمی و فلسفی و تحقیقات ادبی و فرهنگی می شد.

دکتر زرین کوب در این زمینه عقیده دارند که:

«... مروری بر نثر فارسی نشان می دهد که نثر فارسی در حقیقت نمونه هایی از آن گونه کلام است که هر چند وزن و قافیه و سنت های خاص شعر و شاعری در آن مطرح نیست، به هر حال به آنچه مجرد عقل و عادت تقریر می کند و با تصویر و خیال سروکار ندارد، نیز محدود نمی شود و اگر به قصه و تاریخ و سرگذشت و نقد و مقاله نویسی منحصر نیست، باری آنچه را در باب هندسه و طب و نجوم و شناخت معادن و داروها، از دیرباز به زبان فارسی تحریر و تدوین شده است، در شمول ندارد و فی المثل رساله رگ شناسی ابن سینا و التفهیم فی اوایل صناعه التنجیم بیرونی را هم اگر مطرح بحث می سازد، از جهت بررسی زبان و به نحو استطرادی است، چنانکه در شعر فارسی هم دانشنامه منظوم میسری و مجموعه نصاب الصبیان ابونصر فراهی، با آنکه هر دو

موزون و مقفّی است از مقوله شعر تلقّی نمی‌کنند و جستجو در این گونه آثار را به آنچه مربوط به تاریخ تحوّل زبان یا تاریخ تحوّل فرهنگ قوم است، حواله می‌دهند.» (زرین کوب، ۱۳۶۸: ۴۹۱)

بدین گونه، نثری که پا به پای شعر، سراسر قلمرو ادب فارسی را می‌پیماید، مجموعه آن گونه آثار غیرمنظوم است که مثل آثار منظوم شاعرانه، نظر به ادراک معنای حیات و تعبیر از آن دارد و می‌کوشد تا آنچه را مخاطب، در باب زندگی خویش و دنیایی که در آن زندگی می‌کند، از کیهان شناخت و بیان الادیان و وجه دین... نمی‌تواند به دست آورد، از بیهقی و تذکره الاولیاء و مقامات حمیدی، عاید وی سازد و پژوهنده می‌تواند در سیر این آثار، خط سیر اندیشه و ادب را در سراسر زبان فارسی دنبال کند.

به طور کلی، اگر چه نثر فارسی وسعت حیطه شعر را ندارد، باز وسعت قابل ملاحظه‌ای دارد و با آنکه حکمت نظری و طب و نجوم و کیهان شناخت و مباحث مربوط به فقه و کلام و لغت و بلاغت - که قسمت عمده‌ای از آثار غیرمنظوم فرهنگ زبان فارسی شامل آن است - با ادبیات در معنی و مفهوم خاص آن تعلق ندارد و باز در آنچه متضمن تعبیر ادبی غیرمنظوم می‌شود و از محدوده قصه و نثر شاعرانه هم البته خارج است، قلمرو نثر فارسی، بسط و توسعه‌ای قابل ملاحظه دارد؛ چنانکه عرصه وسیع آن در زمینه تربیت و اخلاق، از قابوسنامه تا اخلاق ناصری، در لطایف، از جوامع الحکایات عوفی تا لطایف الطوایف صفی، در روایات و حکایات، از مقامات حمیدی تا گلستان سعدی، در معارف صوفیه، از کشف المحجوب تا مرصاد العباد، در نقل قصه‌های عامیانه، از اسکندرنامه و سمک عیار تا حمزه نامه و در زمینه مباحث مربوط به حکومت و سیاست، از نامه تنسر تا مقامات ملکم خان و سیدجمال‌الدین اسدآبادی، در همه انواع و شیوه‌ها، تنوع قابل ملاحظه‌ای را که ناشی از لوازم احوال زمانه و تحوّل تاریخ است، عرضه می‌دارد؛ البته قصه‌های رمزی که در آثار ابن‌سینا و شیخ اشراق، عرفان و فلسفه را به هم می‌آمیزد و مکتوبات تعلیمی که در نامه‌های عین‌القضات و مکاتیب قطب‌بن‌یحیی، به کمال لطف و عمق می‌رسد و سوانح شخصی و حسب حال‌ها

که بدایع الوقایع واصفی و تذکره حزین، از جالب ترین آنهاست نیز از آن گونه آثار نثری است که هر چند عنصر تقلید و تخیل در آنها بسیار نمایان نیست، باز بدان سبب که غالباً برای تعدادی از طبقات عام و خاص، جاذبه ای قوی دارد، نزد آنها از مقوله نثر ادبی محسوب است.

نثر غیرروایی به نوشته هایی گفته می شود که نویسنده در آن، براساس اندیشه شخصی و نیروی تخیل، دست به قلم نمی برد و نوشته ای را بر این پایه ابداع نمی سازد. نثر غیرروایی، نتیجه مطالعات دقیق، مسلّم، دیداری و شنیداری نویسنده از موضوعی، جایی، زندگی کسی، حقیقتی است که موجود است یا باید ایجاد گردد و نوشته شود.

حوادث تاریخی یا تحلیل حادثه ای در تاریخ، گزارشی از آن چه موجود است یا وجود داشته، گزارش سفر، نوشتن یک نامه سیاسی، اجتماعی، خاطره و امثال آن موضوعاتی است که در حوزه های نثر غیرروایی می گنجد.

بشر در سرگذشت دیرینه خود، برای ارائه مفاهیم ذهنی و اندیشه ای خود، علاوه بر بکارگیری زبان آفرینش خط و نثر، قالب های گوناگون ارائه نثر را نیز می آفریند؛ این قالب ها را می توان در دو دسته روایی و غیرروایی سامان دهی کرد؛ به طور خلاصه، ویژگی های نثر روایی و غیرروایی را می توان چنین بیان کرد:

| نثر غیر روایی   | نثر روایی                                 |
|---|---|
| راوی ندارند.  | راوی دارند.                               |
| شخص محورند.   | شخصیت محورند.                             |
| درونمایه غنایی، تعلیمی، عرفانی، فلسفی ....            | درونمایه حماسی، غنایی، تعلیمی و... دارند. |
| حقیقت محور دارند.                                     | پیام سازی - پیام رسانی غیر مستقیم دارند.  |
| پیام رسانی و پیام سازی مستقیم دارند.                  | ساختار روایتی (نمایشی) منثور دارند.       |
| ساختار گزارشی منثور دارند.                            | طبیعت تخیل بنیاد / تخیلی - واقعی دارند.   |
| طبیعت واقعی دارند.                                    | در قالب های افسانه، قصه، حکایت، نمایشنامه |
| در قالب نامه، سفرنامه، زندگی نامه و... تحریر می شوند. | تحریر می شوند.                            |



**قالب‌های نثر غیرروایی:** متن‌های منشور غیرروایی، شخصیت محور نیستند. نویسندگان در چنین متن‌هایی، اندیشه خود را در محورهایی مناسب و متناسب سازماندهی می‌کنند، بین آن‌ها خطی منطقی ایجاد می‌کنند. شبکه موضوعی و مفهومی می‌آفرینند، تا اندیشه‌اش محور به محور به مخاطبان ارائه شود و هدف و پیامش، جزء به جزء - به طور مستقیم، اما هنرمندانه - در دسترس آنان قرار گیرد.

قالب‌های انشا، ترسل، منشآت، رساله، تاریخ، سفرنامه، زندگی‌نامه، و تذکره - برای مخاطبانی خاص، با موضوع‌های گوناگون - از آغاز پیدایی نثر فارسی (قرن چهارم هـ.ق) تا عصر قاجار (قرن دوازدهم و سیزدهم هـ.ق) رواج داشته است؛ در این عصر، خاطره، مقاله، و گزارش نیز به معنای امروزی آن‌ها، برای مخاطبان عام - به قالب‌های پیشین افزوده می‌شود و در دوره معاصر، تک‌نگاری، حسب حال، و انواع نامه نیز، با سبکی نوین در کنار آن قرار می‌گیرد.

«قالب‌های رایج در نثر غیرروایی امروز، شامل نامه، سفرنامه، زندگی‌نامه، خاطره، مقاله، گزارش، تک‌نگاری، وقایع‌نگاری، قطعه ادبی، و... است.

درونمایه نثر در قالب‌های غیرروایی، می‌تواند اطلاع‌رسانی، تعلیمی، عرفانی، تاریخی، نقل سرگذشت، انتقادی-اجتماعی، و... با لحن‌های جدی یا مطایبه‌آمیز باشد.» (سمیعی گیلانی، ۱۳۸۹: ۲۷)

#### ۴-۱- نثر غیرروایی عرفانی

کتاب‌های نثری که صوفیان در شرح مبادی و اصول تصوف و عرفان و بیان احوال و مقامات سالکان طریقت به فارسی تألیف کرده‌اند، از جمله مهمترین آثار نثر فارسی است که از جذبه و حال و رونق و جلای خاصی برخوردار است. «صوفیه بر اثر آمیزش با مردم و علاقه به ارشاد آنان، در مجالسی که ترتیب می‌دادند و یا در آثار منشور خود، به فارسی روان و ساده سخن می‌گفتند و مطالب خود را همراه با حکایت‌ها و مثل‌ها و شاهد‌هایی ارائه می‌دادند تا بهتر بتوانند در خوانندگان و شنوندگان خود اثر بگذارند. به همین جهت آثار صوفیان از آداب و رسوم و اندیشه‌ها و زندگی مردم مایه می‌گیرد و نثر صوفیانه دارای سادگی و

تازگی ذوق آمیزی است که با زیبایی و گیرایی خاصی همراه می باشد» (صفا، ۱۳۶۴: ۱۱۱).

تصوّف که نام خود را از شعار پشمینه پوشی به عنوان اعتراض به تجمل حاکم در جامعه اسلامی می گرفت، از همان آغاز پیدایش، نوعی مکتب تربیتی و رفتاری آمیخته با زهد و ورع بوده است که با التزام شریعت و به موازات آن شیوه ای را که غالباً طریقت می خواند، نیز دنبال می کرد و این التزام طریقت را که هدف آن تصفیة نفس از وساوس و تعلّقات زاید بود، سلوک در مدارج کمال می خواند و مدعی بود که معرفت، سرّجات و عبادت ذکر علی الدوام خداوند است و تا وقتی مطلوب نهایی سالک، لقای حق و نیل به معرفت او نباشد، عبادت - هر چند تکلیف است و به حکم شریعت، التزام آن بر وفق آنچه در قرآن و سنت رسول آمده است، ضرورت قطعی دارد - چون به کسب ثواب محدود شود، راه خدا نیست؛ بلکه راه بهشت است. چیزی که راه خداست، طریقت صوفی است که در عبادت، ناظر به لقای حق است؛ به بهشت و ثواب نظر ندارد و سلوک او با خلق و حق - که او آن را معامله هم می خواند، مثل سلوک عابد و زاهد از مقوله معامله - که عمل به قصد پاداش است، نیست و البته در باب تعریف تصوّف و مدارج سلوک و آنچه صوفی آن را «منازل سائرین الی الله» می خواند و در دنبال یقظه و توبه و آمادگی، از توالی حالات روحانی به مقامات می رسد و به دنبال تمکین و قرار در هر مقام به مقامات عالی تر ادامه می یابد، در اقوال مشایخ صوفیه و در آنچه به صورت عرفان بحثی، یا عرفان دفتری مطرح می شود؛ اختلاف هایی هست؛ با این حال، تصوّف چنانکه اکثر سالکان و رهبران راه دان آن (= مشایخ) خاطر نشان کرده اند، به علم و نظر بر نمی آید. کار به سلوک و عمل دارد - و ادبیات صوفیه فقط رشحه ای از تجارب عرفانی (= مواجید) آنها یا توصیفی از منازل راه است - که برای سالک نو راه به منزله تعلیم و برای آن کس که هنوز آماده سلوک نیست به منزله تشویق و ترغیب است.

در عصر سامانیان، تصوف در خراسان شهرتی ندارد و در سخنان نویسندگان و شعرا اثری از آن دیده نمی شود و در دوره غزنوی نیز، به علت خشونت سبکتکین

و فرزندش محمود، که تحت نفوذ متعصبانه کرامیان بودند، تصوف در خراسان رواجی نداشت؛ اما، با انقراض غزنویان و انقلابات خراسان و ظهور ترکان که به تشکیل دولت سلجوقی انجامید، تصوف رونق یافت و متصوفان بزرگی چون ابوالحسن خرقانی، شیخ ابوالقاسم قشیری و ابوسعید ابوالخیر، به نشر عقاید و دعوت مردم به سوی حقایق عرفانی پرداختند و کار صوفیان رونقی بسزا یافت و تصوف در مدتی قریب به نیم قرن در سراسر خراسان، از نیشابور تا غزنه و هندوستان نشر پیدا کرد و ادبیات دری بر اثر نشر و رونق تصوف، رنگی دیگر به خود گرفت و در عالم نثر، مکتوبات ابوسعید ابوالخیر و سخنان او که در اسرارالتوحید منعکس است، پیشگامی این امر را برعهده داشت. به طور کلی، نثر فارسی صوفیه، از تعقید و ابهام و ایجاز و اطناب بیش از حد خالی است و گاهی نیز متضمن لطایف اقوال حکمت آمیز است که نقل آنها به نثر صوفیه جنبه شعری می‌دهد و در اذهان تأثیری شگرف دارد. به همین جهت گاهی نثر صوفیانه جنبه تغزلی و خطاب می‌گیرد. کتب فارسی صوفیه در دوران اولیه، در نهایت سادگی و زیبایی و رسایی و حسن تأثیر و صرف و نحو کامل و دارای لغات فارسی لطیفی است که تا قرن ششم بیشتر نمی‌پاید.

می‌توان گفت که نثر صوفیانه در قرن پنجم و ششم، حد فاصل بین نثر مرسل و نثر مصنوع است و در این شیوه، ترکیب کلمات دور از دشواری‌های نثر مصنوع است؛ لیکن از خصایص قابل توجه آن، اطناب و ایراد مترادفات و آوردن سجع‌های ساده و گاه مکرر است و قدیمترین نمونه این شیوه را که در برخی از آثار عرفانی و در مجالس خطبا و وعظ و شیوخ متصوفه می‌بینیم، در منقولات شیخ ابوسعید ابوالخیر مشاهده می‌کنیم (صفا، ۱۳۶۳: ۸۸۱).

خواجه عبدالله انصاری، این روش را در نثر خود به کمال رسانید؛ آنچنان که نثر او سرآمد نثرهای موزون صوفیه شد. در رساله‌های خواجه عبدالله انصاری، جمله‌های مسجعی را ملاحظه می‌کنیم که سجع آنها در چند لخت تکرار می‌شود، بی‌آنکه کلام بر اثر این تکلف از حدود سادگی بیرون رود و به غرابت و صعوبت نزدیک شود.

این روش در نثر صوفیانه در قرن ششم ادامه یافت و در تذکره الاولیا و دیگر متون صوفیانه مورد استفاده قرار گرفت.

مرحوم بهار، معتقد است «که بعضی از رسالات سعدی و مجالس مولوی و کتاب فیه مافیة را می توان قدیمترین تحقیقات عرفانی دانست که در نثر فنی تألیف شده است. زیرا سخنان خواجه عبدالله انصاری، خطابه، مناجات و کلمات قصار است نه تحقیق و ادای مطلب از نظر علمی و فنی و هر چه از این قبیل هم دیده ایم از دایره نثر فنی بیرون بوده است، مانند نثر تذکره الاولیا و غیره، پس می توان نثر سعدی و مولوی را از قدیمترین نثرهای فنی عرفانی دانست» (بهار، ۱۳۶۹: ۱۱۹).

از موضوعات قابل بحث در آثار نثر غیرروایی عرفانی، عشق و محبت است و می توان چنین استنباط کرد که در آثار یاد شده، به نوعی به آن ها پرداخته شده است؛ زیرا، عشق، راز آفرینش و چاشنی حیات و خمیر مایه تصوف و منشأ کارهای خطیر در عالم و اساس شور و شوق و وجد و نهایت حال عارف است. محبت چون به کمال رسد، عشق نام گیرد و عشق که به کمال رسد، به فنا در ذات معشوق و وحدت عشق و عاشق و معشوق منتهی می شود و اگر عشق باشد که از مواهب حق است، هم به حق می کشاند و می رساند و وصال بر دوام، جای دیدارها و لذات زودگذر را می گیرد. صوفی وقتی به این حالت رسید، در جهانی دیگر می زید یا عالم دیگری در درون خود ایجاد می کند که در آن کین و حسد و خشم و نفاق راه ندارد و خودخواهی ها و حقارت های بشری مرده و همه جا را نور و صفا و مهر و وفا پر کرده است.

صوفیه به سریان عشق در همه موجودات به حسب درجه و لیاقت آن ها معتقدند و عشق و محبت را یکی از عالی ترین مبانی و اصول عرفانی می دانند. پس عشق، عطیه ای آسمانی است و همه موجودات در حد خود به حق عشق می ورزند و عشق به آفریدگان نیز از آن رهگذر است که پرتو ذات حق آند، عشق با این مفهوم وسیع و عالی - عشقی که مبدأ آن ترکیه و تهذیب نفس و منتهای آن وصول به کمال و فنا در ذات حق است، عشقی که بالاتر از کفر و ایمان و هدفش

خیر مطلق و پر کردن جهان از نور و صفا و خدمت و گذشت و محبت است - مفهومی است که عرفا و صوفیه به عالم اسلام تقدیم داشته‌اند. محمد غزالی می‌گوید: «طریق تصوف بهترین راه معرفت حق، و صوفیان بهترین طبقه از مردم هستند، حال ذوقی آنان نیکوترین احوال است» (غزالی، ۱۳۶۱: ۶۸).

ابن سینا، در نمط نهم، اشارات عرفان را برای جاهلان به آن، مایه تمسخر و برای صاحب‌دلان سرمایه عبرت می‌داند.

این حدیث قدسی، زینت بخش بسیاری از آثار منشور و منظوم عرفانی است: «مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي وَمَنْ وَجَدَنِي عَرَفَنِي وَمَنْ عَرَفَنِي أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي عَشَقَنِي وَمَنْ عَشَقَنِي عَشَّقْتُهُ وَمَنْ عَشَّقْتُهُ قَتَلْتُهُ وَمَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلِيَ دِيْتُهُ وَمَنْ عَلِيَ دِيْتُهُ فَأَنَا دِيْتُهُ».

هر که طلب کرد یافت، و هر که یافت شناخت و هر که شناخت به من محبت ورزید و عاشق من شد و هر که عاشق من شد، من عاشق او شدم و به هر که عاشق شدم، او را کشتم و هر که را کشتم، خون بهایش بر من بود و خونهای هر کس بر من باشد خود دیه او هستم (مجلسی، ۱۳۱۵: ۲۵).

کتابهای تعلیمی صوفیه، دارای نمونه‌های ممتازی به نثر فارسی است که علاوه بر جنبه‌های تعلیمی و غیرروایی، از لطایف تعبیرات ادبی نیز برخوردارند و لطف و جاذبه‌ای خاص دارند که حتی در مواردی ذوق و آهنگی شاعرانه پیدا می‌کنند. از نمونه‌های نثر غیرروایی عرفانی کتب زیر قابل ذکرند:

### تفسیر سوراآبادی

این تفسیر فارسی، از نمونه‌های عالی نثر فارسی است که در قرن پنجم تالیف شده است. چون مولف کوشیده است در هر یک از موارد، کلمه‌ای و ترکیبی بدست دهد، کتاب او در حکم کتاب لغت سودمندی برای زبان فارسی درآمده است.

### تفسیر پاک

تفسیر قرآن پاک یا «تفسیر پاک» به قطعه‌ای از تفسیر بی‌نام فارسی که ظاهراً در اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم نوشته شده است، اطلاق شده است. نسخه این تفسیر قدیم و ناقص، در کتابخانه دانشگاه لاهور موجود است.

### معراج نامه

معراج‌نامه: اثبات النبوة / مرشد الکفایة، کتابی است به فارسی، منسوب به ابن سینا (م ۳۷۰-۴۲۸ق) این رساله که آن را برخی به شهاب‌الدین سهروردی و (بیشتر) به عبادی مروزی (۴۷۱/۴۹۱-۵۴۷) نیز نسبت داده‌اند، به فارسی شیوا و دقیقی نوشته شده و شامل تاویل اصطلاحاتی است.

### شرح تعرف یا نور المریدین و فضیحة المدعین

اصل این کتاب، به عربی و تالیف ابوبکر بن ابواسحق بخاری کلاباذی (متوفی به سال ۳۸۰) و موسوم است به التعرف لمذهب التصوف که از قدیم میان مشایخ صوفیه شهرت داشته و درباره آن گفته‌اند «لولا التعرف لما عرف التصوف»  
روش ابوابراهیم آن است که عبارت کوتاهی از ابوبکر کلاباذی می‌آورد، نخست آن را ترجمه می‌کند و آن گاه شرح آن را می‌گوید و در شرح از اطلاعات مختلف خویش در کلام و حدیث و فقه و نظایر آن استفاده می‌کند و در ضمن شرح، هر جا که لازم داند از مشایخ و رجال اسلامی، اقوالی برای اثبات سخن خود نقل می‌کند و به آیات قرآنی استشهاد می‌کند (صفا، ۱۳۶۳: ۶۲۹).

### ترجمه رساله قشیری

استاد ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری در سال ۴۳۷ رساله‌ای در ذکر مبانی تصوف نوشت که به رساله قشیری معروف است. از این کتاب، در زمانی قریب به وفات استاد امام، دو ترجمه به فارسی فراهم شد. نخست، یکی از شاگردان او به نام خواجه امام ابوعلی بن احمد العثماني ترجمه‌ای سقیم از آن رساله به پارسی کرد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ایاصوفیه و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است. در قرن ششم، ابوالفتوح عبدالرحمن بن محمدنیشابوری در کرمان به اصلاح آن پرداخت (صفا، ۱۳۶۳: ۸۸۹).

### کشف المحجوب

این کتاب، از جمله آثار بسیار مهم متصوفه است. مولف آن، ابولحسن علی بن عثمان جلابی غزنوی هجویری (م. ۴۶۵) است. جلابی، از مریدان شیخ ابوالفضل محمد بن حسن ختلی است و غیر از او، بسیاری از مشایخ را نیز بوده و از آنان در کتاب خود نقل قول کرده است.

«کتاب کشف المحجوب از امتهات کتب صوفیه و از جمله قدیمی ترین آنهاست که بعدها مورد استفاده کسانی که در احوال و آثار مشایخ صوفیه کتاب می نوشته اند قرار گرفت، مانند عطار در تذکره الاولیاء و جامی در نفحات الانس، سبک نثر این کتاب بر روی هم ساده است؛ جز آنکه هجویری به نسبت با معاصران خود مفردات عربی بیشتر به کار برده و علی الخصوص مفردات با ترکیبات عربی که میان صوفیه معمول بوده، مانند عین الیقین، حق الیقین، مقام و تمکین مکاشفه و نظایر آنها در کتاب او بسیار است. نکته قابل توجه دیگر آنکه در کشف المحجوب جمله های متوازن و نثر موزون به ندرت دیده می شود و این از اختصاصات نثر صوفیه است. این عبارات را نمی توان در زمرة نثر مسجع در آورد، بلکه به نظر ما نوعی از نثر موزون و نزدیک به شعر است که میان صوفیه و اهل مجالس و منابر رواج داشته است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۵).

### اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید

چنانکه از نام کامل آن دانسته می شود، زندگی نامه عارف بزرگ و انسان نمونه تاریخ فرهنگ ایران ابوسعید بن ابی الخیر میهنی (۴۴۰-۳۵۷) است که در تاریخ عرفان ایرانی، والاترین پایگاه را در کنار حلاج و با یزید و چند تن دیگر داراست؛ اما این کتاب، تنها زندگی نامه بوسعید نیست؛ بلکه یکی از برجسته ترین منابع تاریخ تصوف ایران و یکی از مهمترین اسناد تاریخ اجتماعی این سرزمین است. «اطلاعات تاریخی و اجتماعی که از خلال این کتاب به دست می آید، در هیچ یک از کتب رسمی تاریخ، به این دقت و تفصیل دیده نمی شود. وضع دین و مذهب و طرز زندگی مردم و مسائل زندگی شهری و روستایی تاریخ ایران را، در کمتر کتابی به این دقت و تفصیل می توان مشاهده کرد» (کشاورز، ۱۳۵۳: ۷۴۳۰).

### مفتاح النجاة

این کتاب، از آثار شیخ الاسلام معین الدین ابونصر احمد بن ابوالحسن احمد معروف به «ژنده پیل» و «شیخ جام» است. او به سال ۴۴۰ هجری در نامق از قرای ترشیز خراسان ولادت یافت و چون بعدها به «جام» انتقال یافت به «جامی» مشهور شد. مدتی از سال های جوانی وی به بطالت گذشت و از بیست و دو سالگی در شمار سالکان طریقت در آمد و سال های دراز در ریاضت و مطالعه گذراند و سپس به ارشاد خلق در سفر و حضر پرداخت تا در سال ۵۳۶ هجری در خانقاه خود در شهر جام در گذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد و عده کثیری از اعقاب او هنوز در شهر تربت جام باقی و بر کارند. از جمله آثار او کتاب مفتاح النجاة، انیس الثائین رساله سمرقندیه حاوی بعضی از نامه های شیخ، کنوز الحکمة، بحار الحقیقه، سراج السائرین است. به احمد، جام دیوانی نیز نسبت داده اند که چند بار در هند به طبع رسیده و انتساب آن به شیخ جام مورد تردید کلی است.

«در شرح حال شیخ جام چند کتاب و رساله ترتیب یافته است که از میان آنها مقامات احمد جام که به سال ۱۳۴۰ شمسی به نام مقامات ژنده پیل چاپ شده است که از همه معتبرتر است. شیخ جام در نگارش آثار متعددش همه جا به نشر ساده مبنی بر زبان گفتاری توجه داشت» (صفا، ۱۳۷۲: ۱۳۶).

### کشف الاسرار و عده الابرار

ابوالفضل رشیدالدین بن ابی سعید میبیدی از مؤلفان نیمه اول قرن ششم هجری است. کشف الاسرار و عده الابرار او تفسیر بزرگ مشروحو از قرآن است که تألیف آن در اوایل سال ۵۲۰ هجری آغاز شد و چنان که مؤلف خود در آغاز کتاب خویش گفته، در حقیقت شرحی بر تفسیری است که استاد او خواجه عبدالله انصاری ترتیب داده بود و به همین سبب، در بسیاری از موارد کتاب خود، نام آن استاد را با عناوینی از قبیل «پیر طریقت» و «عالم طریقت» و «شیخ الاسلام انصاری» و امثال آن آورده است.

«کلام میبیدی در تفسیر او روان و منسجم و در بسیاری از موارد به شیوه سخنان استاد او موزون و مقفی یا مسجع است و به همین سبب هنگام بحث در سبک نشر



موزون درباره آن سخن رفته است. میبیدی در تفسیر هر یک از آیات، آن را یک بار به فارسی روان معنی می کند و آن را «النوبة الأولى» می نامد و در «نوبت ثانی»، به تفسیر همان آیه بنابر روش عامه مفسران و در «نوبت ثالث» به تأویل آن آیه به شیوه صوفیان می پردازد و درین مورد است که زیبایی نثر میبیدی آشکار می شود» (صفا، ۱۳۷۲: ۱۲۳).

### سوانح العشاق

شیخ المشایخ مجدالدین ابوالفتوح احمد بن محمد غزالی طوسی، برادر محمد بن محمد غزالی است وی آغاز عمر را در تحصیل علوم دینی گذراند و سپس به وعظ و تذکیر توجه کرد و به طریقه صوفیان در آمد.

این کتاب در شرح معانی و احوال و اسرار عشق بدان نحو که مورد توجه و تأمل صوفیانست، نوشته شده و هر یک از اسرار و معانی در فصلی مورد بحث قرار گرفته است (صفا، ۱۳۷۲: ۱۲۰).

### طبقات صوفیه

یکی از آثار بسیار معتبر پارسی و از کتب مشهور خواجه عبدا... انصاری است. این کتاب را اصلاً ابو عبدالرحمن محمد بن حسین السلمی نیشابوری (م. ۴۱۲) به زبان تازی تالیف کرده و آن را بر بیان احوال و اقوال پنج طبقه از مشایخ وقف نموده بود.

مهمترین و بهترین کتاب پارسی از آثار صوفیان که در پایان این عهد نگاشته شده، کتاب المعارف بهاء ولد است. بهاء ولد، از کبار مشایخ صوفیه در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است.

در این کتاب، حقایق عرفان و دین و تفاسیر و تأویلاتی از آیات قرآنی با بیانی شیوا و با فصاحتی کم نظیر مورد بحث قرار گرفته است و سخن گوینده چنان شیرین و دلپذیر است که در بسیاری از موارد در لطافت به شعر می ماند و در عین حال شامل بسیاری از لغات و تعبیرات و ترکیبات نادر پارسی است که مسلماً تحت تأثیر زبان تخاطب بلخ بوجود آمده است. هر بحث یا مجلسی یا بیان هر حالتی از احوال که بهاء ولد آنها را موضوع گفتار یا نگارش قرار داده، با عنوان

فصل ذکر شده و بدین ترتیب کتاب المعارف که خود کتابی عظیم است؛ از بسیاری فصول ترتیب یافته است.<sup>(۱۴)</sup>

### انسان کامل

عزیزالدین بن محمد نسفی، یکی از مشاهیر عرفای قرن هفتم هجری و از مریدان و پیروان معروف سعدالدین حموی یا حمویله عارف بزرگ و متنفذ اواخر قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم است.

### مقالات شمس

این مجموعه از شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی از اکابر مشایخ صوفیه و از پیشروان بزرگ این قوم در قرن ششم و هفتم هجری است که به سبب تأثیر عظیمی که در جلال الدین محمد رومی داشت و به علت ارادت خاصی که مولوی به وی می‌ورزید، «دیوان کبیر» خود را به نام او موسوم ساخته، شهرتی بسیار در ادب فارسی حاصل نموده است.

### مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه

مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، تالیف عزالدین محمود بن علی کاشانی (متوفی ۷۳۵ هـ.ق) است. موضوع کتاب، تصوف و عرفان و اخلاق است و از آثار گران بهای نثر فارسی و ذخایر ادبی به شمار می‌رود. نثر کتاب، با توجه به زمان مؤلف، نسبتاً ساده و شیرین و روان است. هنگام شرح و بیان مطالب عرفانی، سعی مؤلف بر آن است که جمله‌ها مستدل و قابل فهم و ادراک باشد و بتواند موضوع پیچیده عرفانی را بیان نماید.

### فوائد الفؤاد

این کتاب از امیر نجم الدین حسن بن علاء سجزی بدآؤنی دهلوی شاعر نامبردار قرن هفتم و هشتم هجری در هندوستان و معاصر امیر خسرو دهلوی شاعر بزرگ و ضیاء برنی، مورخ نام آور، آن دیار است.

مطلب مهمی که می‌توان از مطالعه مستمر در فوائد الفؤاد دریافت، طریق تعلیم و ارشاد مشایخ در خانقاه‌هاست؛ اینکه «شیخ» با خاصان خود چگونه مطالب را در

میان می گذاشت و چگونه آنان را با توضیح مطالب و با ایراد تمثیلات و حکایات به حقایق تصوف آشنا می کرد و تربیت می نمود.

### مناقب العارفين

شمس‌الدین احمد افلاکی، از نویسندگان متصوف قرن هشتم هجری و از جمله معتقدان مولانا جلال‌الدین رومی و فرزندان او بود.

مناقب افلاکی، از حیث انشاء سلیس و روانی که دارد، از جمله کتب خوب فارسی و چون حاوی اطلاعات بسیار سودمندی درباره مولوی و جانشینان و خاندان او، و نیز شامل فوائد بسیار تاریخی است، از جمله کتاب‌های معتبر قرن هشتم هجری شمرده می شود.

### فردوس المرشديه

محمود بن عثمان، از مولفان و نویسندگان قرن هشتم هجری و از صوفیان مرشدیه فارس، یعنی از پیروان شیخ مرشدالدین ابواسحاق کازرونی - صوفی معروف قرن چهارم و پنجم هجری - است.

### لمعات

عراقی در نثر فارسی آثاری دارد، از آن جمله رساله‌ای در ذکر اصطلاحاتی است که صوفیه در نظم و نثر به کار برده اند و عراقی آن را به سه مطلب، منقسم ساخته است. مطلب اول در کلماتی که اکثر آن مخصوص به محبوب است و بعضی از آن متعلق به محیب. مطلب دوم، اسامی که میان عاشق و معشوق مشترک است و وارد و در اطلاق اسمی، خصوصیت ندارد؛ ولیکن از روی معانی گاه خصوصیت گیرد و گاه نه. مطلب سوم، در کلماتی چند که مخصوص به عاشق و احوال اوست؛ اگر چه بعضی در نوعی به معشوق تعلق گیرد.

شیوه نگارش عراقی، در این اثر بسیار استادانه و به همان روش معهود عرفاست که در کلام خود، ظرافت طبع ادبا و شعرا را با علو احساسات اهل ذوق و تحقیق در می آمیزند و از این دو راه به کلام خود زیبایی و رونق و شکوه خاص می بخشند.

### نور العلوم

از شیخ ابوالحسن خرقانی، عارف مشهور قرن چهارم است. وی از اجله اوتاد و اعظام زهاد و از عارفان بزرگ و مریبان مشهور اهل تصوف است که نسب تربیتش به بایزید بسطامی می‌رسید. کتابی به نام «نورالعلوم» به وی نسبت می‌دهند که نسخه موجود آن را یکی از شاگردانش از گفتارهای وی ترتیب داده و بعد از مرگ پیر خود، در ده باب تدوین نموده است.

### نفحات الانس

نورالدین عبدالرحمن جامی - شاعر و نویسنده استاد و عارف نامبردار قرن نهم (۸۱۷-۸۹۸هـ) - گذشته از مرتبه بلندی که در شعر فارسی دارد، در نثر فارسی نیز، از برگزیدگان است. وی نویسنده ای است که توانست شیوه نثرنویسان با ذوق پیشین را، در عهدی که شعر و ادب فارسی راه انحطاط می‌سپرد، دنبال کند و در همه اثرهایش انشایی روان و خالی از غلط‌های متداول زمان، همراه با اطلاعات بسیار وسیع که میراث تمدن اسلامی ایران بود، داشته باشد؛ حتی در پاره ای از موارد، به مقام و مرتبه نثرنویسان بزرگ پیشین برسد و در همه احوال، حتی در جایی که خواسته است از نثرهای مصنوع فارسی تقلید کند، سادگی و رهایی از قید تصنع را وجهه همت قرار دهد.

### ۵- نتیجه گیری

نثر از آن هنگام که از صورت نثر محاوره به نثر خطابه و از آن به نثر مکتوب و مرسل می‌پیوندد، تا آنگاه که به نثر فنی و به تعبیری نثر متکلف می‌رسد و به شعر منشور که با اندک فاصله‌ای، دارای تمامی مختصات کلام منظوم است، نزدیک می‌شود؛ از حیث کیفیت انتخاب الفاظ و ترکیب جمل و عبارات و قبول و استعمال صنایع لفظی و مراحل از وزن، کمابیش راه تحول و کمال می‌پیماید.

اگر این نکته را بپذیریم که نثر مکتوب غیرروایی، در آغاز وسیله‌ای برای بیان معانی علمی و عقلی است؛ یعنی مضامینی که شعر برای بیان آن مناسب نیست؛ بدیهی است که چنین کلامی در هر زبان، زمانی به وجود می‌آید که این گونه معانی وجود داشته باشد و این گونه معانی نیز، هنگامی که دواعی و موجبات آن فراهم باشد؛ یعنی در دوره‌ای که اقوام و ملل، در مسیر تمدن، مراحل را پیموده باشند، پدید می‌آید و در پی آن، نثر نخست با پیوستگی تام به لغت محاوره و سپس به تدریج با اصلاح و تهذیب آن، همراه با گزینش و انتخاب آغاز می‌شود و پیش می‌رود تا آن گاه که در درجات کمال به صورت فنی در می‌آید که هم نظم نیست و هم از لغت مخاطب به صورتی که هست پیروی نمی‌کند و در این مسیر به تدریج از این دور و بدان نزدیک می‌شود.

به هر حال، نثر غیرروایی، طی دوران تحول خویش، در کلام بزرگان، رنگ و بوی لطافت و زیبایی را هم گه گاه در حد معتدل نشان داده است؛ البته در کلام صوفیه این وجه بیشتر پیداست؛ چنان که در برخی آثار منسوب به خواجه عبدا... انصاری و آنچه در پاره‌ای از سخنان احمد غزالی و عین القضاة همدانی و عبدالرحمن جامی و دیگران باقی است. سجع هم، در کلام آنها حالتی به نثر می‌بخشد که موزون گونه است؛ اما با وزن رایج در شعر تفاوت دارد. تصویر و مجاز هم در این آثار، گه گاه سخن را جلوه‌ای خاص می‌بخشد و در بسیاری از این سخنان و قالب‌های متنوع آن، چیزی از آن شیوه که شعر منشور می‌توان خواند، به نثر غیرروایی قدرت تأثیر و جاذبه بیان می‌بخشد و خواننده از تأمل مکرر نویسنده، لذت مکرر هم حاصل می‌کند.

## منابع

- اته، هرمان، ۱۳۵۱، تاریخ ادبیات ایران؛ ترجمه رضازاده شفق، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- استعلامی، محمد، ۱۳۵۰، بررسی ادبیات امروز، دفتر نخست، تهران: انتشارات رز.
- بهار، محمدتقی (ملک الشعراء)، ۱۳۳۷، سبک شناسی نثر، ۳ جلد، تهران: امیر کبیر.
- خطیبی، حسین، ۱۳۶۶، فن نثر در ادب پارسی؛ جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات زوار.
- رستگارفسائی، منصور، ۱۳۸۰، انواع نثر فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهها (سمت).
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۵، از گذشته ادبی ایران، چاپ اول، تهران: الهدی.
- سمعی گیلانی، احمد، ۱۳۸۹، قالب های نویسندگی و آیین نگارش، تهران: نشر کتاب های درسی ایران.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۷، سبک شناسی نثر؛ چاپ دوم، تهران: میترا.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۲؛ گنجینه سخن؛ هفت جلد، تهران: دانشگاه تهران.